

عنوان مقاله:

از تئوری تا واقعیت: خودآیینی کانت بدیلی برای اخلاق دیگرآیین لویناس

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 15، شماره 58 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

اعظم محسنی - دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین

علی فتح طاهری - دانشیار گروه فلسفه: دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره) قزوین

خلاصه مقاله:

کانت و لویناس، هر دو کار خود را با نقد سنت غربی قبل از خود آغاز می کنند؛ کانت از سنتی انتقاد می کند که اعتبار را به عین، در مقابل ذهن، می دهد و در نهایت باعث فراگیر شدن فضای شک در حوزه معرفت شناسی و اخلاق می شود. کانت با طرح انقلاب کپرنیکی و اعتبار بخشیدن به فاعل شناسا، چه در حوزه اخلاق و چه در حوزه معرفت شناسی، به نوعی سعی می کند اعتبار شناخت را از یک سو و قابل اجرا بودن قوانین اخلاق را {که خود فاعل اخلاق در وضع آن ها دخیل است}، از سوی دیگر تضمین کند. در لویناس نیز تلاشی از این دست مشاهده می شود؛ لویناس در انتقاد از سنت فلسفی که همواره تکیه را بر همان و خود، در مقابل دیگری و غیر گذاشته است، غیر و دیگری را اولویت می بخشد و سعی می کند متافیزیکی مبتنی بر نسبتی که ما با غیر {به معنای اعم} و دیگری {به معنای اخص} داریم، بنا کند. لویناس در اخلاق، که محور بحث ما در این پژوهش است، در مقابل خودآیینی، که اساس فلسفه اخلاق کانت را شکل می دهد؛ دیگرآیینی و نسبتی که ما با دیگری داریم را اساس اخلاق قرار می دهد. ادعای ما در این مقاله این است که اخلاق خودآیین کانت، که به نوعی بر عقلانیت مشترک بین انسان ها تاکید دارد؛ در برابر اخلاق دیگرآیین لویناس، که بر احساس و عاطفه انسان ها تکیه دارد، ضمانت اجرایی بهتر و بیشتری در جوامع انسانی دارد.

کلمات کلیدی:

خودآیینی، دیگرآیینی، چهره، مسئولیت نامتناهی، جانشینی، وظیفه گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1017729>

